



کوشش های حسن الامین در به ثمر رساندن اعیان الشیعه و تألیف مستدرکات آن

پدیدآورده (ها) : عباسی، مهرداد

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه دین :: اسفند 1381 - شماره 65

از 46 تا 51

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/33892>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 09/06/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

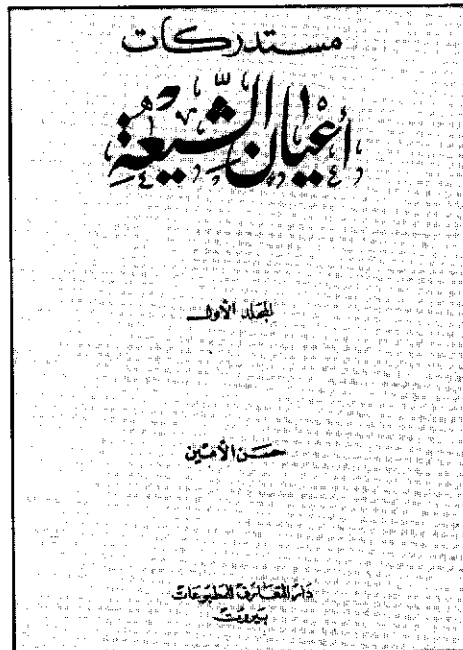
معرفی و نقد کتاب

کوشش‌های حسن الامین در به ثمر رساندن اعیان الشیعه و تالیف مستدرکات آن

در میان آثار متعدد و متنوع سید محسن امین، اعیان الشیعه بیش از هر کتابی یادآور نام او و بهتر از هر تالیفی نشانگر وسعت و گستره معلومات این مورخ و شرح حال نویسنده شیعی است و مهم‌ترین اثر او به شمار می‌آید. مؤلف در سالیان متمادی به فکر تدوین کتابی جامع درباره سرگذشت بزرگان شیعه دوازده امامی (به طور عام) بوده، تا اینکه با توکل به خداوند تصمیم به تالیف کتابی گرفته است که شرح حال همه بزرگان شیعه اعم از صحابه، تابعین، تابعین تابعین و اهالی هر علم و فن را شامل گردد؛ به گونه‌ای که از راویان، محدثان، قاریان، مفسران، فقیهان، حکیمان، متکلمان، واعظان و شاعران گرفته تا دانشمندان علوم لغت صرف، نحو، بیان، منطقی، ریاضیات، طب و نجوم و حتی پادشاهان و وزیران، همگی در این کتاب جایی داشته باشند. بنابراین، نویسنده تحقیقات خود را با ابعادی وسیع در سوریه، عراق و ایران انجام داده و کتب غیر شیعه را به منظور برطرف نمودن نقائص برخی منابع شیعی از نظر گذرانده است تا پژوهنده را از جستجوی ملال‌آور در لابه‌لای کتب گوناگون تاریخ و تراجم بی‌نیاز گرداند.^۱

این دانشنامه گسترده که با هدف شناساندن هویت فرهنگی شیعه و یادآوری نقش امامیه در اعتلای تمدن اسلامی تدوین شده است، حاوی سرگذشت و بررسی آرا و آثار ۷۳۳، ۱۱ نفر از ناموران شیعه - با توسعی در مفهوم شیعه اثناعشری - است که در ۵۵ جلد سامان یافته است. جلد یکم، مقدمه‌ای درباره شیعه و جلد دوم تا چهارم آن شامل شرح زندگانی و تاریخ چهارده معصوم علیهم‌السلام است. شرح احوال شخصیت‌های دیگر شیعه از جلد پنجم آغاز شده، تا جلد پنجاه و دوم به ترتیب الفبایی ادامه می‌یابد.^۲ مؤلف درباره روش کار خود در این اثر چنین می‌نویسد: «در این کتاب به شرح حال هیچ یک از معاصران زنده پرداخته نشده است. اسم‌ها به ترتیب الفبایی قرار گرفته و در مورد هر فرد به ترتیب: نام، تاریخ ولادت و وفات، نسب، اقوال علما درباره او، سیره و احوالات وی و نمونه‌هایی از شعر و نثر او ذکر گردیده است و گاهی به اقتضای مقام، برخی امور و قضایا به طور مفصل بیان گشته و استنباط‌هایی از حوادث ارائه شده است. هر چند بهتر

مرکز مهاد عباسی



به گفته آقابزرگ طهرانی در الذریعه (ج ۲، ص ۲۴۸)، چاپ نخست این کتاب از سال ۱۳۵۴ ق آغاز شد. این اثر گرانسنگ تاکنون بارها انتشار یافته و تجدید چاپ شده است. اما آخرین چاپ و چاپ منقح و شکل آن که به تصحیح، تخریح و همت بلند حسن امین و در قطع رحلی به محققان ارائه شده است، در سال ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م از سوی «دارالتعارف للمطبوعات» بیروت و در ده جلد به انجام رسیده است. وی در مقدمه این چاپ می‌نویسد: «کتاب حاضر، چاپ پنجم اعیان‌الشیعه، با شکل و ظاهری جدید است. بزرگان اهل فن و متخصصان همگی بر این امر متفق بودند که این کتاب با این شکل و در همین قطع انتشار یابد.

شایان ذکر است که حسن امین در همین سال‌ها و همزمان با اشتغال به تنظیم و چاپ اعیان‌الشیعه با مجله کویته العربی همکاری داشته و مقالات تاریخی را در آن نشریه به چاپ می‌رسانده است. وی آثار فراوانی از جمله الغزو المغولی، من بلدالی بلد، عصر حمدالمحمود والحیة الشعریة فی جبل عامل و الموسوعة الاسلامیة را از خود به جای گذاشته، که برخی از آنها را نیز در همین دوران تألیف کرده است.^۱

او که به هنگام مرگ پدر، ۴۵ سال از عمرش می‌گذشت^۲، پس از به ثمر رساندن اعیان‌الشیعه ۶۵ سال داشت. «خود او حالاتش را در آن زمان این چنین بیان می‌کند: «گمان می‌کردم که پس از انجام کاری که بیش از دو دهه خواب راحت را از من ربوده بود، می‌توانم به استراحت بپردازم، چرا که در این دوران ناملایماتی را چشیدم که مرا در انجام کار سست می‌کرد و از کسانی که توقع نداشتیم، برخوردهایی دیدم که من را از ادامه مسیر ناامید می‌نمود و مجبور به همنشینی با افرادی نابخرد و نالایق شدم تا آنجا که به این نتیجه رسیدم که از مردم کناره بگیرم و در کنجی خزیده، گوشه‌ای عزلت برگزینم. به شکلی که مطالعه تنها دلخوشی و سرگرمی من در این سال‌ها گردید.»^۳ تنها هدف حسن امین در این دو دهه به نتیجه رساندن و ثمربخش نمودن زحمات پدر بود و هرگز به تألیف مستترکی به طور مستقل نمی‌اندیشید؛ چنان‌که می‌گوید: «در خلال مطالعاتم به مطالبی بسیار قیمتی و مهم در مورد افرادی که شرح حال‌شان در اعیان آمده، برمی‌خوردم و دائماً حسرت می‌خوردم که ای کاش قبل از چاپ کتاب، این مطلب را می‌دیدم و به مطالب پدر می‌افزودم.»^۴

تألیف مستترکات اعیان‌الشیعه

مؤلف درباره نخستین سنگ‌بنا برای تألیف مستترکاتی مستقل برای

بود که اسامی و مطالب فراموش شده، به طور مستقل در جلد یا جلدیهای در انتهای کتاب و در قالب مستترک ارائه می‌گردید، اما از آنجا که ممکن بود اجل مهلت ندهد، موارد فراموش شده در هر جلد در انتهای همان جلد آمده است.»^۵

حسن امین و نقش او در چاپ اعیان‌الشیعه

با وجود این که مؤلف اثر گراندتر اعیان‌الشیعه محسن امین است و در این شکی نیست؛ به هیچ روی نمی‌توان از زحمات فرزند محقق و دانشمند او، حسن امین، به سادگی گذشت؛ چنان‌که می‌توان ادعا کرد که اگر تلاش‌های طاقت‌فرسای چندین ساله وی نبود، محققان حداقل از دستیابی به نیمی از مطالب این دایرةالمعارف بی‌بهره می‌ماندند. حسن امین در سال‌های آخر عمر پدر، هرگز او را تنها نگذاشت و هنگامی که کهولت پدرش را ضعیف و رنجور ساخته بود، دستیار او در نگارش اعیان‌الشیعه شد و این مهم تا زمان مرگ او (۱۳۷۱ ق) ادامه داشت. وی در خاطراتش، دوران پس از مرگ پدر را این‌گونه توصیف می‌کند: «وفات پدر مسئولیت سنگینی برعهده من نهاد. او تا زمان وفاتش تا پایان حرف «س» (جلد ۳۵) را آماده برای چاپ داشت ولی بقیه ماده‌ها به صورت دست‌نوشته و اکثراً درهم ریخته بودند، چنان‌که برخی شرح‌حال‌ها ناقص مانده و برخی دیگر هنوز تألیف نشده بود»^۶ در واقع او در این مسیر با دو مشکل رو به رو بود: یکی اتمام کار و دیگری به چاپ رساندن آن. در این باره می‌نویسد: «سامان دادن نوشته‌های پدر به دو دلیل بسیار بعید به نظر می‌رسید: یکی اینکه جمع‌آوری فیش‌های پراکنده و مرتب کردن و تنظیم آنها در کنار یکدیگر کار ساده‌ای نبود؛ دوم اینکه چاپ این مجموعه گسترده نیاز به سرمایه‌ای کلان داشت که هرگز در وسع من نبود و یافتن فردی که حاضر به سرمایه‌گذاری در انتشار چنین مجموعه‌ای باشد، دشوار می‌نمود.»^۷ او در جای دیگر مطلب را چنین پی می‌گیرد: «اما به هر شکل ممکن شرح حال‌های ناقص را تکمیل نمودم و نانوشته‌ها را نیز نگاشتم و توانستم در طی مدت چهار سال جلد ۳۶ را از آغاز حرف «ش» به چاپ برسانم و گمان می‌کردم که روال به همین منوال ادامه می‌یابد، ولی مسائل مالی مشکلات بسیاری بر سر راه من آفرید که با عزمی جزم و تصمیمی استوار با همه آنها روبرو شدم و کار چاپ اعیان‌الشیعه را تا پایان حرف «ی» به انجام رساندم.»^۸

مؤلف اعیان پوشیده مانده است. اینها همه بر روی هم مطالب فراوانی را تشکیل می‌داد که لازم بود به اصل کتاب اعیان‌الشیعه افزوده شود؛ لذا آن مطالب را در جلدی مستقل با نام مستدرکات اعیان‌الشیعه تدوین نمودم.»^{۱۸}

به طور خلاصه می‌توان گفت مستدرکات اعیان‌الشیعه در بردارنده سه زمینه است: شرح حال کسانی که بعد از وفات مؤلف اعیان‌الشیعه از دنیا رفته‌اند؛ شرح حال گذشتگانی که مؤلف اعیان آنان را از قلم انداخته است؛ و افزودن مطالب جدید به شرح حال افرادی که سرگذشت آنان در اعیان‌الشیعه آمده است.^{۱۹} امین برای فراهم آوردن این اطلاعات زحمات فراوانی را متحمل گردید و مجبور شد به بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی سفر کند. اولین کشوری را که او برای مسافرت علمی خود انتخاب کرد، ایران بود. وی برای عزیمت به این کشورها و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌های آنها با مشکلات مالی نیز رو به رو بود که به‌گونه‌ای بر آنها فائق آمد.^{۲۰}

نگاهی به مجموعه مستدرکات اعیان‌الشیعه

جلد یکم

جلد نخست دارای ۲۶۹ صفحه و نسبت به مجلدات بعدی دارای تعداد صفحات کمتری است. نویسنده در این باره می‌آورد: «حجم جلد اول از سایر جلدها کمتر است، زیرا بیش از این برایم مقدور نبود، اما از آن پس تصمیم گرفتم که بر یک نظم و ترتیب پیش رفته، حجم باقی جلدها را در یک حد و اندازه نگاه دارم.»^{۲۱}

در این جلد شرح حال برخی از رجال سیاسی انقلاب اسلامی ایران نظیر عبدالحسین دستغیب (ص ۸۱)، محمد بهشتی (ص ۱۵۳)، محمدجواد باهنر (ص ۱۶۹)، محمود طالقانی (ص ۲۱۹)، مرتضی مطهری (ص ۲۲۰) و نواب صفوی (ص ۲۴۵) و همچنین بزرگان فرهنگ و ادب کشورمان نظیر سعید نفیسی (ص ۴۴)، عباس اقبال آشتیانی (ص ۷۹)، علی‌اکبر دهخدا (ص ۱۱۳) و محمدتقی بهار (ص ۱۵۴) به چشم می‌خورد که مسلماً سفر او به ایران قبل از تألیف این جلد در ذکر شرح حال این افراد بی‌تأثیر نبوده است.

نکته دیگر در جلد نخست آن است که گاهی به مدخل‌هایی مانند «الخطاطون فی العهد الصفوی» (ص ۳۶) برمی‌خوریم که نه نام یک شخص که نام یک گروه از اشخاص است؛ برای مثال در ذیل این عنوان خطاطان مشهور عصر صفوی معرفی شده‌اند. مؤلف ده صفحه پایانی کتاب را به «ملحق بالمستدرکات» اختصاص

کتاب اعیان‌الشیعه چنین می‌گوید: «مقاله‌ای وزین در مجله‌ای پژوهشی که درباره «افضل‌الدین کاشانی» فیلسوف نگاشته شده بود، توجه مرا به خود جلب کرد. با مراجعه به اعیان‌الشیعه متوجه شدم که شرح حال او توسط پدر بسیار مختصر آمده است. به همین خاطر این مقاله را در مکانی ویژه از قفسه‌های کتابخانه شخصی‌ام قرار دادم، بدون اینکه کوچکترین نظری به تألیف مستدرکات داشته باشم؛ زیرا خاطرات تلخ مراحل مختلف تنظیم و طبع اعیان‌الشیعه همواره ذهنم را آزار می‌داد و مرا از تصمیم به هرگونه تألیفی باز می‌داشت. مدتی وضع به همین شکل بود تا اینکه کم‌کم رنج و خستگی آن دوران را به فراموشی سپردم، چرا که شادمانی محقق شدن وعده‌ای که به پدر داده بودم و از طرفی رواج یافتن اعیان‌الشیعه در میان مردم و مشاهده آن در قفسه بسیاری از کتابخانه‌ها به تدریج اثر خود را بر روی من گذاشت و علاوه بر همه اینها این احساس در من تقویت شده بود که چند سالی است بدون تألیف به سر برده‌ام. در این زمان بود که ابتدا به یاد شرح حال افضل‌الدین کاشانی و پس از آن به یاد همه آن کسانی افتادم که پس از وفات مؤلف اعیان‌الشیعه درگذشته بودند.»^{۲۲} آنگاه به سراغ کتابخانه‌ام رفتم و مطالب مربوط به شرح حال افضل‌الدین کاشانی را در پوشه‌ای نهاده، با خطی درشت روی آن نوشتم: «مستدرکات اعیان‌الشیعه» همین پوشه بود که هسته اصلی تألیف این مجموعه گردید.»^{۲۳}

دومین شرح حالی که امین نگاشت، شرح حال اندیشمند بزرگ عرب، محمد شراره، بود که مدت زیادی از وفات او نمی‌گذشت. پس از آن به سرگذشت ابراهیم شراره شاعر بزرگ جبل عاملی، پرداخت که ظاهراً در تألیف شرح حال او با مشکلاتی نظیر طفره رفتن اطرافیان و نزدیکان این شاعر در ارائه آثار او رو به رو شد.^{۲۴} بدین ترتیب و به تدریج مطالب دیگر نیز فراهم آمد تا اینکه جلد اول مستدرکات اعیان‌الشیعه شکل گرفت و پس از آن جلدهای بعدی یک به یک نگاشته شد، به گونه‌ای که تا شعبان ۱۴۱۳ چهار جلد از این مجموعه به بازار آمد و جلد پنجم در حال آماده‌سازی برای چاپ بود.^{۲۵} مؤلف در جایی دیگر نحوه شکل‌گیری این کتاب را با عباراتی دیگر بیان می‌نماید: «از آنجا که روش پدرم آن بود که شرح حال زندگان را نیابرد، من نام افرادی را که پس از او درگذشته بودند، فراهم آورده، سرگذشت آنان را در اعیان‌الشیعه نگاشتم و در پاورقی‌ها اشاره کردم که این شرح حال‌ها از جمله مستدرکات اینجانب است. اما نتوانستم نام همه افرادی را که باید شرح حال‌شان ذکر می‌شد، گردآورم. مدتی بعد همه را جمع‌آوری نمودم و علاوه بر آن به اطلاعاتی جدید در مورد افرادی که قبلاً یاد شده بودند، دست یافتم و نیز متوجه شدم که بعضی اسامی از نظر

جلد سوم

این جلد شامل ۳۳۸ صفحه است و مقدمه آن در جمادی الاول ۱۴۱۰ در بیروت نگاشته شده است، اما متأسفانه تاریخ انتشار کتاب مشخص نیست.^{۳۵}

همانگونه که مؤلف در مقدمه به این نکته اشاره می‌کند، تعداد قابل توجهی از مقالات این جلد توسط دیگران تألیف شده است. مهم‌ترین این افراد (به ترتیب تعداد مقاله تألیف شده) عبدالحسین صالحی، شیخ محمد سمّامی و سیدابراهیم سیدعلوی‌اند.^{۳۶} البته در برخی مواضع، به جای آنکه مقاله‌ای از این افراد چاپ شود، عیناً مطالبی از کتاب‌های آنان نظیر ریاحین الشیعه و بزرگان رامسر نقل شده است. ملحقات این جلد درباره پادشاه ایلخان، محمد خانبنده اولجایتو، و پایتخت او شهر سلطانیه است. در انتها نیز بخشی با نام «مستدرک علی المستدرکات» موجود است که موضوع آن بررسی ارتباط رسالة الغفران ابوالعلاء معری و کمندی الهی دانته است.

جلد چهارم

این جلد که در ۳۵۷ صفحه تنظیم شده، به تاریخ ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م انتشار یافته است. چهارمین جلد از این مجموعه به شرح حال مفصل برخی از افراد پرداخته است که حاوی مطالب سودمندی است؛ مختار تقفی (ص ۱۷۵-۱۸۹) و نادرشاه افشار (ص ۱۸۹-۲۱۲) از جمله این افرادند که در ضمن شرح حال اولی درباره تاریخ واقعه کربلا و وقایع پس از آن و در ضمن بیان سرگذشت دومی درباره تاریخ ایران در زمان افشاریان مطالب مفیدی عرضه شده است. از موارد دیگر مقاله‌ای درباره هشام بن حکم و آرا و مناظرات او به قلم محمدرضا جلالی است که در صفحات ۲۱۳ تا ۲۴۰ آمده است.

اما آنچه بیش از همه، صفحات این جلد را به خود اختصاص داده است، بخشی است با نام «خاطرات زندگی حسن امین». او در این بخش قصد نگارش زندگینامه یا گردآوری یادداشت‌های پراکنده خود را نداشته، بلکه به دنبال بیان آن وقایعی بوده که بر زندگی او تأثیر نهاده است. او درباره علت قرار گرفتن این بخش در انتهای جلد چهارم می‌نویسد: «ابتدا قصد داشتم چنین موضوعی را در پایان مستدرکات بیآورم، اما از آنجا که زمان پایان یافتن مستدرکات مشخص نبوده تصمیم به قرار دادن آن در این جلد گرفتم و باقی آن را - که بیشتر در مورد چگونگی تألیف همین مستدرکات است - در جلدهای بعدی تقدیم خواهم کرد».^{۳۷} آنچه را که امین در این ۱۱۳ صفحه آورده است، می‌توان بخش اعظمی از زندگینامه او به

داده و در ابتدای آن نوشته است: «این بخش شامل مقالاتی است که در قالب موضوع اصلی اعیان الشیعه و مستدرکات آن یعنی شرح حال و سرگذشت بزرگان شیعه نمی‌گنجد، اما ارتباطی تنگاتنگ با این موضوع دارد که به همین دلیل این مطالب را در بخشی جداگانه آوردیم.»^{۳۸} او در مقدمه کتاب اظهار امیدواری می‌کند که به خواست خدا جلد دوم مستدرکات را نیز به خوانندگان تقدیم نماید. از عبارات او چنین برمی‌آید که چندان به بقای عمر و توفیقش بر تألیف جلد دوم امیدی ندارد؛ چنان که پس از پایان جلد اول می‌نویسد: «اینک در جمادی‌الثانی ۱۴۰۸ که این کلمات را بر روی کاغذ می‌آورم، در آستانه ۸۰ سالگی قرار دارم و همان طور که در مقدمه گفتم، اگر عمر اجازه دهد، مستدرکات دیگری را در جلد دوم عرضه خواهیم کرد. با خوانندگان خداحافظی می‌کنم و امیدوارم که باز هم آنها را ملاقات کنم، اما نمی‌دانم که آیا اجل مهلت می‌دهد یا خیر.»^{۳۹} گفتنی است ناشر مستدرکات اعیان الشیعه نیز مانند اصل کتاب «دارالتعارف للمطبوعات» بیروت است که جلد نخست آن را در ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۷ م منتشر ساخته است.

جلد دوم

حسن امین در مقدمه این جلد مراتب شکر خود را به دلیل توفیق یافتن بر انتشار جلد دوم به درگاه خداوند ابراز می‌نماید و با وجود کهولت سن همچنان امیدوار است که جلد سوم را هرچه زودتر روانه بازار کند.^{۴۰} وی این جلد را که شامل ۳۷۳ صفحه است، در رمضان ۱۴۰۸ به دست ناشر سپرده و کتاب در ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م به علاقه‌مندان عرضه شده است. در دومین جلد، گاهی مطالبی به طور استطرادی آمده است که می‌تواند برای محققان مفید واقع شود. برای نمونه درباره شیخ محمدصالح برغانی که در اعیان الشیعه (ج ۹، ص ۲۶۹) شرح حال او آمده است، مطالب جدیدی به قلم یکی از نوادگان او نگاشته شده است و در پی آن به بهانه ذکر نام شیخ محمد صالح، بحثی درباره آل برغانی صورت می‌گیرد که توضیحات مفصل درباره آن پنج صفحه از این جلد را (ص ۳۰۰-۳۰۵) به خود اختصاص داده است. نمونه دیگر محمود بن حسین معروف به «کشاجم» است که مطالب جالبی درباره شهرت او (کشاجم) به نقل از یک پایان نامه دانشگاهی آمده که به طور مفصل در مورد آن بحث می‌کند. در ضمن این بحث، به برخی لغزش‌های مؤلف اعیان در شرح حال این فرد اشاره شده است.

صفحات ۳۵۶ تا آخر این جلد مختص ملحقات است که بیشتر مربوط به مناقشات مؤلف یا نویسندگان بعضی از کتب و مقالات است.

شرح حالی طولانی برای آنان ذکر گردیده، می‌توان به محمد مصدق (ص ۳۰۰-۳۱۵) اشاره کرد.

صفحات ۳۷۰ تا ۳۷۹ جلد هفتم، ادامهٔ خاطرات حسن امین را در خود جای داده است که می‌توان آن را به معنای اتمام کار و پایان یافتن این مجموعه دانست، خاصه آنکه در این خاطرات، مؤلف از چگونگی تألیف مستدرکات و انگیزه خود از این کار سخن می‌گوید. آخرین جلد، زمانی به چاپ رسیده است که امین نودمین سال عمر خود را پشت سر می‌گذاشته است.

مجموعه‌ای با نام ملاحق اعیان الشیعه

چاپ این مجموعه تک جلدی نیز همانند اعیان الشیعه و مستدرکات آن مرهون تلاش‌های حسن امین است و وی در مقدمه‌ای که در سال ۱۴۱۰ ق برای ملاحق نوشته، آورده است: «پدرم بر اعیان الشیعه مقدمه‌ای نگاشت تا آرای باطل نسبت به شیعه را رد کند. اما آن، همهٔ مطلب در این باب نبود، وی قبل از انتشار جلد اول اعیان در پاسخ به تهمت‌های ناروایی وهابیان به شیعه، کتاب کشف الارتیاب را نگاشت. همچنین در خلال چاپ پی‌درپی جلد‌های بعدی آن، کتابی با نام نقض الوشیعة در رد افتراءات موسی جارالله زمخشری نسبت به شیعه به رشته تحریر درآورد. از آنجا که موضوع این دو کتاب، متناسب با مقدمه‌های اعیان بود، تصمیم گرفتم که آنها را به مجلدات آن بیفزایم تا آنچه در این باب نوشته شده است، یکجا در اختیار خواننده قرار گیرد».

بنابراین می‌توان گفت که ملاحق اعیان الشیعة مشتمل بر سه بخش است: بخش اول (ص ۶-۲۸) با عنوان «السیدمحسن الامین فی سیرة‌حیاته» مقاله‌ای است که دکتر وضاح شراره پس از چاپ جدید اعیان الشیعه دربارهٔ مؤلف آن نگاشته است که باید آن را ملحق به جلد دهم اعیان دانست.^{۳۱} بخش دوم (ص ۲۹-۱۷۶) متن کامل کتاب کشف الارتیاب فی اتباع محمدبن عبدالوهاب و بخش سوم (ص ۱۷۷-۳۱۲) متن کامل کتاب نقض الوشیعة فی نقض عقائدالشیعه است که باید این دو اثر محسن امین را ملحق به نوشته‌های او در جلد اول اعیان به حساب آورد.

این کتاب در سال ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م و مانند دو مجموعه قبلی در قطع رحلی و از سوی دارالتعارف للمطبوعات بیروت منتشر شده است.

سه نکته در پایان

۱. از آنجا که مستدرکات اعیان الشیعه به تدریج نگاشته شده و به چاپ رسیده است، طبیعی است که هرگاه مؤلف در طول مطالعات خود به مطلب جدیدی دربارهٔ یکی از بزرگان برخورد می‌کرده، آن را در جلد بعدی

همراه ابراز و بیان حالات درونی خود در رویارویی با مسائل گوناگون - با تأکید بر وقایع و حوادث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار حیات او در سوریه، لبنان و عراق - دانست.

جلد پنجم

مؤلف در مقدمهٔ این مجلد ۳۱۷ صفحه‌ای آورده است: «تلاش مان در جلد حاضر بر این بوده که از مرزهای مناطق عرب‌نشین فراتر رفته، به تاریخ علم، اندیشه، ادب، سیاست و جنگ در کشورهای اسلامی غیرعربی نظیر ایران، ترکیه، پاکستان و هند پرداخته شود». این امر به وضوح از طریق مشاهدهٔ فهرست این جلد نمایان می‌شود و به همین دلیل است که مؤلف در ذیل اسامی آقامحمدخان قاجار (ص ۷-۶۲) و رضاشاه پهلوی (ص ۱۶۸-۲۱۷) به بررسی جزئیات تاریخ ایران در دوران قاجاریه و پهلوی می‌پردازد.

این جلد مانند همه جلد‌های دیگر از حرف «الف» آغاز شده، اما به خلاف همهٔ آنها - که به حرف «ی» ختم می‌شود - با حرف «ع» به پایان رسیده است، که به نظر می‌رسد به دلیل مراعات همسانی و هماهنگی تعدادصفحات در جلد‌های یکم تا هفتم این مجموعه باشد. در این جلد نیز همانند جلد سوم بعضی مقالات عیناً از کتب دیگران نقل شده یا توسط افرادی دیگر به نگارش درآمده است. تاریخ نشر پنجمین جلد ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م است.

جلد ششم

جلد ششم دارای ۳۴۲ صفحه و در ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م منتشر گردیده است. در این جلد تعداد اسامی ذکر شده، در مقایسه با جلد‌های دیگر بسیار زیاد است و به همین دلیل دربارهٔ هر فرد توضیحات کمتری آمده است. شاه اسماعیل صفوی (ص ۲۶-۷۱) از معدود کسانی است که به طور مفصل به او پرداخته شده است.

در این جلد از جلال‌الدین همائی (ص ۱۳۵)، غلامحسین مصاحب (ص ۱۹۹)، محمد قریب (ص ۲۹۴)، محمود رامیار (ص ۳۱۷) و مهرداد اوستا (ص ۳۲۵) و دیگران سخن به میان آمده است که از بزرگان علم و ادب و فرهنگ ایران زمین به شمار می‌آیند.

جلد هفتم

آخرین جلد از مجموعه مستدرکات اعیان الشیعه در ۳۷۹ صفحه و در سال ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م انتشار یافته است. این جلد از نظر نداشتن مقدمه و کثرت اسامی ذکر شده در آن، شبیه به جلد ششم است. از افرادی که

- قرار می‌داده است و به همین دلیل است که هر جلد آن به طور مستقل از حرف «الف» آغاز و به حرف «ی» ختم می‌شود. به عنوان مثال نام ابن سینا علاوه بر آنکه در اعیان‌الشیعه آمده است، در جلد‌های اول، دوم، پنجم و ششم مستدرکات نیز ذکر شده و در هر موضع مطلبی خاص درباره او نوشته شده است. باید گفت که این امر نقطه ضعفی برای این مجموعه گرانبها به حساب می‌آید. چرا که محقق برای آگاهی از شرح حال و نکات مهم مربوط به زندگی یک شخصیت مجبور است فهرست هر ۷ جلد مستدرکات را از نظر بگذراند. به نظر می‌رسد همان‌گونه که مجموعه اعیان‌الشیعه از مزیت داشتن فهرستی مناسب به طور مستقل بهره می‌برد، تدوین کتابی با عنوان «فهارس مستدرکات اعیان‌الشیعه» یا «مستدرک فهارس اعیان‌الشیعه»^{۱۳} بتواند تا حدود زیادی این نقیصه را برطرف سازد.
۲. در ذیل برخی شرح حال‌ها مطالبی به طور مستقیم و بدون هیچ کم و کاست، از یک کتاب نقل شده است. مانند توضیحاتی در مورد سیدمرتضی در جلد پنجم، صفحات ۲۷۶ تا ۳۱۳. به منظور پرهیز از تکرار و اطاله کلام شاید بهتر می‌بود که مطلب به صورت خلاصه و گزیده آورده شود یا حتی در برخی موارد مؤلف به ذکر منبع و ارجاع به آن بسنده نماید.
۳. حسن امین، مستدرکات را در روزگاری تألیف کرده که مسلماً اصول دایرةالمعارف‌نگاری به مراتب پیش از زمان حیات پدرش مورد ملاحظه قرار می‌گرفته است. بنابراین شایسته بود که دست کم در بعضی جلد‌ها نام نویسندگان مقالات و نیز نام منابعی که مطالب برداشته شده از آنها به طور کامل به عنوان یک مقاله در مستدرکات آمده است، در محلی مخصوص ذکر می‌شد تا برای خوانندگان این توهم پیش نیاید که مقالات موجود در این کتاب، همگی به قلم حسن امین است.
- پی‌نوشت‌ها:
۱. دو اثر کشف‌الارتیاب فی اتباع محمدبن عبدالوهاب و نقض الوشیعة فی نقض عقائد الشیعه بهترین گواه بر تلاش‌های مستمر او در دفاع از حریم آرا و اعتقادات شیعه امامیه و صراحت وی در بیان اندیشه‌اش است.
 ۲. برای آگاهی بیشتر از شرح حال و آثار او ر.ک: خیرالدین زرکلی، الأعلام، ج ۵، ص ۲۸۷؛ عمررضا کحاله، معجم‌المؤلفین، ج ۸، ص ۱۸۳-۱۸۴؛ محمد انصاری، «امین، محسن»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۰، ص ۲۷۹-۲۸۰؛ ملاحق اعیان‌الشیعه، ص ۶-۲۸؛ نیز در همین زمینه کتاب السیدمحسن امین: حیاته بقلمه و بأقلام آخرین توسط حسن امین در سال ۱۳۷۳ ق به چاپ رسیده است.
 ۳. محسن امین، اعیان‌الشیعه، بیروت ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م، ج ۱، ص ۱۵-۱۴.
 ۴. محمدانصاری، همان جا: «اعیان‌الشیعه»، دایرةالمعارف تشیع، زیر نظر احمد صدرحاج سیدجواد و دیگران، ج ۲، ص ۲۸۱.
 ۵. محسن امین، اعیان‌الشیعه، ج ۱، ص ۱۶-۱۷.
 ۶. حسن امین، مستدرکات اعیان‌الشیعه، بیروت ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م، ج ۴، ص ۳۳۵.
 ۷. همان، ج ۷، ص ۳۷۰.
 ۸. همان، ج ۴، ص ۳۳۵.
 ۹. همان.
 ۱۰. او سال ولادت خود را ۱۳۲۶ ق ذکر کرده است ر.ک: همان، ج ۴، ص ۲۴۵.
 ۱۱. برای آگاهی بیشتر از شرح حال و وقایع زندگی و آثار او ر.ک: همان، ج ۴، ص ۲۴۵-۲۵۷؛ ج ۷، ص ۳۷۰-۳۷۹.
 ۱۲. همان، ج ۷، ص ۳۷۰.
 ۱۳. همان.
 ۱۴. زیبا روش محسن امین در اعیان‌الشیعه آن بوده که شرح حال هیچ یک از معاصران زنده در زمان حیات خود را نیاورد.
 ۱۵. حسن امین، مستدرکات اعیان‌الشیعه، ج ۷، ص ۳۷۰-۳۷۲.
 ۱۶. برای آگاهی بیشتر ر.ک: همان، ج ۷، ص ۳۷۳.
 ۱۷. همان، ج ۷، ص ۳۷۰.
 ۱۸. همان، ج ۱، ص ۵.
 ۱۹. همان، ج ۷، ص ۳۷۳.
 ۲۰. برای آگاهی از سفرهای او ر.ک: همان، ج ۷، ص ۳۷۳.
 ۲۱. همان.
 ۲۲. همان، ج ۱، ص ۲۵۶.
 ۲۳. همان، ج ۱، ص ۲۶۵.
 ۲۴. همان، ج ۲، ص ۵.
 ۲۵. باتوجه به قرائن یکی از سال‌های ۱۴۱۰ و ۱۴۱۱ ق است.
 ۲۶. برای نمونه این مقالات ر.ک: ص ۳-۳۱، ۲۸، ۲۷، ۱۰-۳.
 ۲۷. حسن امین، مستدرکات اعیان‌الشیعه، ج ۴، ص ۲۴۴.
 ۲۸. در انتهای جلد دهم اعیان، سیره مؤلف به قلم خودش و نوشته‌های دیگران درباره او پس از وفاتش آمده است.
 ۲۹. منظور از این نام آن است که می‌توان برای فهرست اعیان‌الشیعه که با نام «فهارس اعیان‌الشیعه» منتشر شده است، اضافاتی تهیه کرد و مجموعاً آنها را با این نام به چاپ رساند. ■